

غزل شماره ۶۱

صبا اگر کذری اُفتد به کشور دوست
یار نَفحِ ای از کیسوی مُعْتَبَر دوست

به جانِ او که به شکرانه جان برافشانم
اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست

و گر چنان که در آن حضرت نباشد بار
برای دیده یاور غمباری از در دوست

من کدا و تمنای وصل او هیات
مگر به خواب بینم خیالِ منظرِ دوست

دلِ صنوبریم، بمچوید لرزان است
ز حسرتِ قد و بالای چون صنوبرِ دوست

اگر چه دوست به چیزِ نمی خرد ما را
به عالمی نفروشیم مویی از سرِ دوست

چه باشد ار شود از بندِ غم دلش آزاد
چو هست حافظِ مسکینِ غلام و چاکرِ دوست

تفسیر فال

منتظر خبری هستید که برای دریافت آن باید به مدت طولانی و با صبر و شکیبایی انتظار بکشید و در این میان دست به دعا بردارید. در این شرایط دشوار، ناامید نشوید و به چیزی یا کسی شک نکنید. احساس حسرت بر سر رسیدن این خبر نباید شما را از پا درآورد یا خسته کند، زیرا امیدواری و ایمان می‌تواند نیرویی دوباره به شما ببخشد. بندهای غم و اندوهی که ممکن است بر دل شما سنگینی کند، سرانجام باز خواهد شد، اگر با خداوند باشید و به رحمت او اعتماد داشته باشید. در حقیقت، ایمان به قدرت الهی می‌تواند مایه آرامش خاطر شما باشد و در لحظات سخت زندگی، چراغ امید را روشن نگه دارد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)